



لانهوریزی زوان له ناوشقامیل کرمانشان و نیلام

له ئیج سی ساله گ جمشست زوان کوردی له ناوچهی نیلام و کرمانشان وه بهر رهسیه، پسیای دۆنیم گ کوومه شتیر، کوومه چیروک و رۆمانه یلینگ بلاو بۆنه. ههرسهی گیجهل فره ههس، نه مان نه گهر بتوایم یه ی گیجهل ئه رای سهر چهوه دیاری بکهیم، «گیجهل زوانی» ه. گیجهل زوانی یانی نهۆن بنهوا ی دروستیگ ئه رای بهرورده کردن زوان وه شیوهی سیستماتیک، یانی نهۆن بنه مای دیاری ئه رای په ل وه شسانن زوان، یانی له یه ک داچه کیان زوان کوومه لگا، یانی نهۆن زرار پر دهره قه تیگ ئه رای په یوه ندی دان زوان و ورده ننگ و نوسمان و ههر به توه نید بووده سهر چهوه ی گیر و گرفته یل تره ک...



دهسهلات زانست ناکادمیک له زیانهوهی نیمرووزیا

نهشکان میری

سر مقاله

آیا مادران نسل نو دشمنان زبان کوردی اند؟
زبان مادری و مهاجران سرگردان
جلیل آهنرئزاد

در مقدمه‌ی کتاب «خشونت» اثر «اسلاوی ژیک» آمده است: «داستانی قدیمی درباره کارگری وجود دارد که گمان



دزدی درباره او می‌رفت. هر روز عصر که از کارخانه برمی‌گشت، چرخ دستی او را به دقت می‌گشتند. نگاهبان نتوانستند چیزی پیدا کنند. چرخ دستی همیشه خالی بود. سرانجام کاشف به عمل آمد که کارگر، خود چرخ دستی‌ها را می‌دزدیده است! این دقیقاً همان داستانی است که ضمن هوش‌ربایی از گویش‌وران زبان کوردی در جغرافیای کرمانشان و ایلام، هویت زبانی و فرهنگی بخشی از آنان را به یغما برده است. وقتی در جامعه، تنها از یک زبان، «قدسی‌سازی» می‌شود، بر اساس جبر ناشی از چنین قدسیتی که به بازوی «قدرت سخت» هم گره می‌خورد، کاربران دیگر زبان‌ها به گوشه‌های رانده می‌شوند. آنها را «دیگری» می‌خوانند و دیگری بر اساس «کلان‌الگو» های قدرت، «غیر» نامیده می‌شود...

ویژه

حکایت سومار و بازی‌های تبلیغاتی
سارا و فتح‌الله دو روی یک سکه‌اند

صاحب این قلم که غلغله‌ی فرهنگی‌اش به استان‌های ایلام و کرمانشاه برکسی پوشیده نیست و دل در گروه توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی این دو استان دارد، نمی‌تواند نسبت به موضوعات مناقشه‌برانگیزی که وحدت و منافع عمومی مردم این استان‌ها را هدف قرار می‌دهد، بی‌تفاوت باشد. از این رو، مواضع تند و تیز سارا فلاحی نماینده ایلام...



هنر

برای کتابی که منتشر می‌شود
شور نقاشی در دیار کهین کرمانشان

در طول تاریخ، همواره افرادی که کرمانشاه و کرمانشاهیان را ملاقات کرده‌اند، این دیار و مردمانش را با نام‌ها و اوصاف گوناگونی توصیف کرده‌اند: «سرزمین آب و سنگ، کوه و سراب، جنگل و بلوط، دشت و دمن، همچنین مردمانی غیور، مهمان‌نواز، بزرگمنش، دلاور، پهلوان...» و صدالبته دیار هنرمندانی اهل ذوق، شعر و هنر و اندیشه. کرمانشاه، سرزمین نقش، رنگ، احساس، شور و شعور به طبیعت...

با ناتوانی در نظارت بر بازار شب عید نان مردم را بیش از این آجر نکنید

سیاست‌های غلط دولت، سخت‌ترین عید را بر مردم تحمیل کرده است

مادر آرینا دختری که در فضای مجازی به خاطر خاطره‌هایش هواخواهان زیادی دارد:

کوردی گفتن با بچه‌ایمان را افتخار می‌دانیم

والدین، فرزندان‌شان را به همایش‌ها و مراسمات کوردی ببرند

شیرین زبانی‌های دخترتری به نام نارینا در فضای مجازی و بویژه در اینستاگرام موجب شده بسیاری از پُست‌های این دختر خردسال و ایرال شوند و دست به دست بگردند تا مخاطبان بیش‌تری «روز مره گویی»‌ها و خاطر‌اتش را به همان شیرینی زبان فاخر کوردی بشنوند. نارینا اهل سرپل ذهاب است. پدرش مهندس کشاورزی و مادرش فرهنگی است. اینکه در چنین خانواده‌ی تحصیلکرده‌ای چنین فرهنگی ریشه بدواند و پابندی‌شان به زبان مادری، اینچنین شکوهمند به تصویر کشیده شود، اتفاق بسیار شیرینی است و امیدواریم که سایر خانواده‌ها هم که در این خاک کهن زندگی می‌کنند، از چنین خانواده‌ای الهام بگیرند و گنجینه‌ی میراث معنوی خود را به تاراج باد نسپارند. خواس‌تیم با مادر نارینا یک گفتگوی ساده‌ی مجازی داشته باشیم که بیشتر با فضای چنین خانواده خوبی شما آشنا کنیم. چند سوال ارسال شد اما خانم کریمی بی توجه به سوالات، یک متن خوب خواندنی که پاسخ همه‌ی سوالات را در خودش دارد، برایمان فرستاد. ما هم بی آنکه خمی به ابرو بیاوریم! این متن پاسخگونه را تقدیم شما می‌کنیم:



آگهی مزایده ۱۴۰۲/۱

مخابرات منطقه کرمانشاه در نظر دارد نسبت به فروش ۳۵ شماره تلفن رند ثابت (الماس، طلایی مثل ۵۵۵۵۵۵۵۵ و ۴۴۴۴۴۴۴۴) از طریق مزایده عمومی اقدام نماید. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آگهی مناقصه در سایت شرکت مخابرات ایران به آدرس: www.tci.ir و مخابرات منطقه کرمانشاه به آدرس BK.tci.ir مراجعه نمایند. شماره تلفن های تماس: ۳۷۲۹۲۱۳۸-۳۷۲۹۸۴۴۴

مخابرات منطقه کرمانشاه

هۆج به قا نه ئی ئی دنیا ئی فانی

جناب دکتر غلامرضا حیدری سرکار خانم کریمی

بدینوسیله مصیبت وارده را به شما یان تسلیت می‌گوییم. برای آن عزیز سفر کرده، غفران الهی و برای همه‌ی بازماندگان شکیبایی آرزو می‌نماییم. روحشان شاد

مدیرمسئول و کارکنان هفته‌نامه صدای آزادی

دکتر علی غلامی جراح، دندانپزشک، ایمپلنتولوژیست

دارای فلوشیپ ترمیمی، زیبایی و لیزر از به روش flapless یا پنج جنوای ایتالیا کاشت هزاران ایمپلنت بدون مشکل هزینه‌ی هر عدد ایمپلنت (بیج) از ۸ تا ۲۳ میلیون هزینه هر واحد لمینت از ۵ میلیون تا ۷ میلیون هزینه هر واحد کامپوزیت از ۱/۵ تا ۲/۵ میلیون پذیرش: شنبه، یکشنبه و دوشنبه. ساعت ۱۶ تا ۲۰ با وقت قبلی

تلفن ثابت: ۰۸۳۸۲۳۲۹۶۰
تلفن همراه: ۰۹۳۶۱۲۴۲۳۰

@dr.aligholamee
تلگرام: @draligholamee

کرمانشان بلوار مصطفی امامی (گلستان)، روبروی پارک معلم جنب بانک سینا پلاک ۲۰۹

رسم الخط زبان کوردی / رینۆس زوان کوردی

در کوردی دو «ل» وجود دارد «ل» خفیف که نوشتنش مثل فارسی است مثل تلفظ «ل» در واژه لاستیک، و «ل» درشت که به شکل «آل» نوشته می‌شود. ل درشت/ «آل» گُل = گول. دلاور = دلاور. کلهر = که لهور

قصه فداکاری و عشق و ایثار معلمان پایان یافتنی نیست

عشق به معلمی، آموزگار فداکار منطقه حمیل را به کلاس درس کشاند



جولگری از افت تحصیلی آنان در ماه های پایانی سال تحصیلی است. گفتنی است: رییس اداره آموزش و پرورش، معاون آموزشی و کارشناس آموزش ابتدایی این منطقه با حضور در کلاس درس این آموزگار فداکار، ضمن عیادت و آرزوی سلامتی عاجل، با اهداء لوحی از زحمات و فداکاری او تقدیر نمودند.

حرکت و فعالیت در کلاس می باشد، هدف از این کار خود را عشق به کلاس درس و اهمیت تعلیم و تربیت دانش آموزان بویژه دانش آموزان این روستای محروم و دور افتاده منطقه بر شمرد و اظهار داشت: آنچه که عزم وی را برای حضور در کلاس درس این مدرسه عشق و ایثار بود، در کلاس نموده، ارتباط عاطفی بین او و دانش آموزان

منطقه، که اخیراً در اثر سانحه ی تصادف اتومبیل از ناحیه کتف چپ و پای راست به شدت دچار جراحت و شکستگی شد، بعد از طی دوران کوتاهی از درمان خود و با وجود مرخصی استعلاجی، با کمک عصا و آویز دست، در کلاس درس حاضر شد. این معلم فداکار منطقه که به سختی قادر به

به گزارش اداره اطلاع رسانی و روابط عمومی و آموزش و پرورش استان کرمانشاه، فداکاری آموزگار منطقه حمیل، بار دیگر جمله معروف "معلمی شغل نیست، بلکه عشق، ایثار و فداکاری است" را ترجمه نمود. بنابراین گزارش، امید با بایستی، آموزگار فداکار دبستان رشد روستای "دوار در میان" این

زوان دانگی

زوان نیمه

• وتاریک له مهسا زارعی

ملرک توواین
نوشن: «زوان
دانگی لوی
کلیلیگه ک
تونه نئی دهر
گه نجینه ی
نه و دو بای



زوانه یل وه روی نیمه واز بکه ید.

له سه ر نئی بنه ما توه نیم بوشیم زوانه یل ک
له شووون زوان دانگی بای گریم وه وراس
وهر گتر انه یلئه له زوان دانگین..

مرووف نه رای په یوه ندیگر تنه یل
کوومه لایه تی له نامر از زوان که لگ گرید و
نه رای په سانن مه به ست خوهی، له پئی زوان
و لیو و لچ و ناروو و قورگ و... دهنک نایه سه
که ید، نئیی دیارده ته نانه ت له ناو
مناله کووره پیلش و مزه قی دیاره ک له پئی
در اوردن دهنک له خوه یان، ته قه لا که ن
دانگ و باوگ و دهووره یسه یل خوه یان
بره سننه و ک نیسه یان بگرن و بچنه
ده نگیانه نو.

نه مانگی یان که و تیان په یشروی ساده و
سه ره تاییتگ له زوان بون، له راسییان زوان
ته نیا کوومه تیگ له وشه و بی ریزوان له بان
بی زیز خان زوانی نیسه. له پشت ههر زوانی
ویهرده ی زوردر یزئ هه س، بی زوان
به لگه نامه ی خاونداریه تی له بی میرات
فهره نگیه، زوان کرک مازی شوناس و
گرینگترین پیوه هزری و سیفای ههر
مرووفه.

له پئی ناسیین زوان بی کوومه لگاس ک
مرووف توه تی له شیوه نوور نییان وه دنیا و
پرسسه یل فره نگی و کوومه لایه تی
ژیان نییان بره سیده و. زوان گلال چه هور شه
و نه و سیفا چینه.

ههر مرووفتیگ وه که لگرتن له زوان دانگیه
ک نوور ید دنیا و هیما گانج و سه ره نجیان
ده ید و هه وول ده ی بنا سیده یان. زوان دانگی
ته نیا نه رای پیوه ندیگر تنه و گهر د
نه ندانه یل بنه ماله و کوومه لگانه نیسه؛
به لگه م گشست و توو یزه یل زینی،
نه و سیفا چین، قسه وه گهر د وژدان و
ته نانه ت خوتبوول و وراوه یل و ورینه یل
مرووفه و گهر د زوان دانگیه.

له راسییان توه نیم بوشیم زوان ره و تیگه چو
رهوت بی شه پؤل رادیویی ک میژگ گشت
نه ندانه یل بی کوومه لگانه ندیگه یه ک و بی
شسه به که ی گهورا وده ی تیر ید و ههر نئی
شسه به که ی رادیویی سه ک بوده مدوو
نه و زینه ی هووشیاری و گه شه ی هزر و
هور شه و په ره سه نندن هه یمه ی و ناسوو
نوورین وه کوومه ل مهر دم ووه گهر د بریان نئی
شه پؤل رادیویی و مردن زوانه گه، ناست
هووش وه کوومه ل نه و کوومه لگانه نیسه
ره و یه یده و.

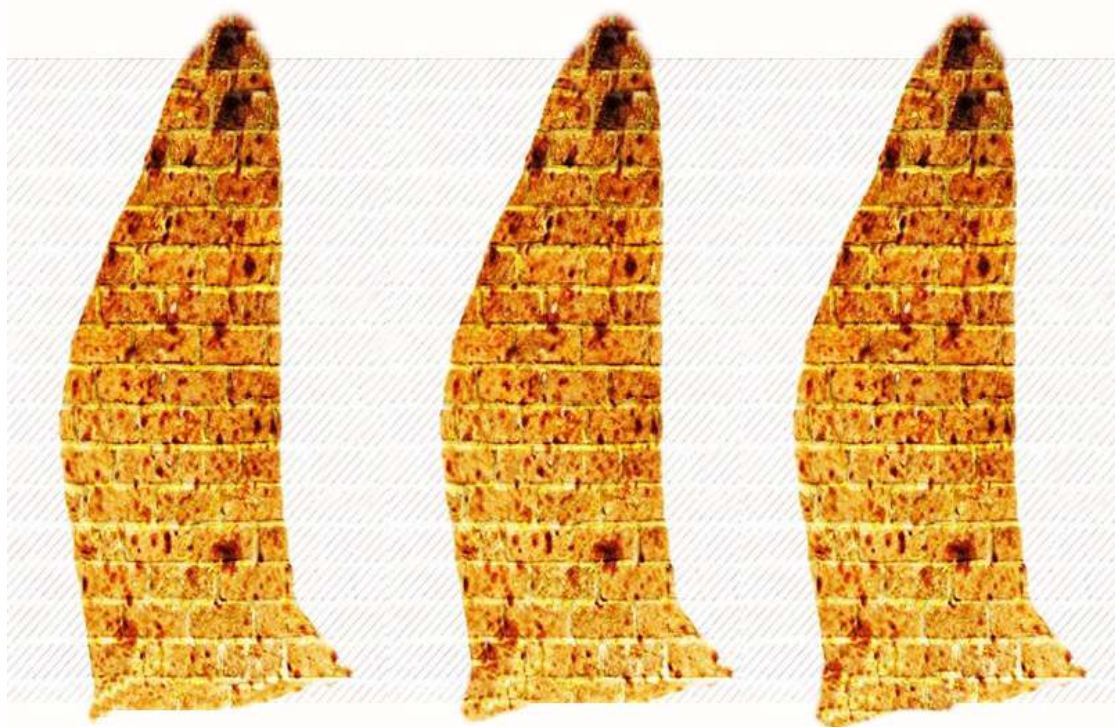
پور فوسور سپیتر مهن نوشید: «نه گهر ری له
په رومر ده کرن وه بی زوان بگیریه ید، پاش
ماوه یگ و دو بیا جار نه و زوانه له ناو چوود و
وه شوون نه ویش، ماسیه ی فره ننگ نه و
کوومه لگانه شمه چووده تالان گهر نه چوچان
رووزگار و دو بیا خسر خود مهر دم
کوومه لگانه یل له ناو چن»

نه لئه ته خوو گاهس نئیی له ناو چینه وه
شیوه ی فیزیکی نه و، نه مانگی بی گومان
نه وان دی خودراسکانی خوه یان نین و
بونه سه که لی تر ک سه ره زوان و فره ننگ
تریگه و نه و میرات فره نگیسه ک
بهر هم زوانه گه بونه گ ههر له کیس نه و
گه له ک له کیس گشت مرووفایه تی چوود و

با ناتوانی در نظارت بر بازار شب عید

نان مردم را بیش از این آجر نکنید

سیاست‌های غلط دولت، سخت‌ترین عید را بر مردم تحمیل کرده است



سرویس
کوومه لایه تی

کم نیستند آنانی که از همان روزهای آغازین اسفندماه، «بوی عیدی، بوی توپ، بوی کاغذ رنگی، بوی تند ماهی دودی، و وسط سفره نو...» برایشان زنده می‌شود و به شوق آمدن سال تازه تمام تلاششان را می‌کنند که روزی سفره‌ها پیشان را با تلاشی چشم‌گیر، بیشتر و بیشتر کنند.

اما آیا این سالها چنین امری میسر است؟ آیا امسال، عید و روزهای تازه‌ی سال نو برای نان‌آوران خانه‌ی این خاک زر خیز! همچنان بوی عطر آهنگ معروف «فرهاد، می‌دهد؟ آیا زندگی بر همان چرخ ساده‌ی سال‌های پیش می‌تواند بچرخد؟ آیا توان خرید لباس عیدی برای فرزندانشان فراهم است؟ آیا زمانی که پدران و مادران در سر سفره‌ی عید می‌خواهند بچه‌هایشان را با دادن عیدی خوشحال کنند، دست و دلشان نمی‌لرزد؟ آیا توان حضوری سر بلندانه در مقابل مهمان شب عید دارند؟

اینها و دهها پرسش دیگر می‌تواند عید سال ۱۴۰۳ را یکی از دلهره‌آورترین آغازینه‌ها برای هر پدر و مادری در این خاک تاریخی گرداند. خاکی که منابع سرشارش، آن‌را در ردیف اولین‌ها و غنی‌ترین‌ها قرار داده است. اما دریغ از مدیرانی که توان همراهی با مردم را داشته باشند! دریغ از مدیرانی که رنج مردم را حتی برای سالی، ماهی و یا حتی روزی جدی گرفته باشند! دریغ از مدیرانی که لحظه‌ای همدوش دردهای مسکینان جامعه باشند!

آیا آنان از درک مشکلات معیشتی مردم بی‌خبرند؟ بدون شک پاسخ همه‌ی مردم به چنین پرسشی «نه» خواهد بود. پس چرا اولویت‌ها در چنین سیستم مدیریتی خاصی تغییر نمی‌کند؟! چرا نااهلان بر بسیاری از مسندها نشسته‌اند؟! چرا نامدیران متعدّد، اکثر مناصب‌ها را باز چپه‌ی حزب‌های باد و بوران خود کرده‌اند؟! کوه صدایم را پس نمی‌دهد

کوه صدایم را پس نمی‌دهد

اثری تازه از محسن حسینیخانی شاعر کرمانشانی منتشر شد



قالب آزاد از او به چاپ رسیده گیسوی یار» و «نغمه‌هایی برای است. نشر مروارید به تازگی تحمل جهان» که به ترتیب در مجموعه شعری با عنوان «کوه صدایم را پس نمی‌دهد». از این شاعر جوان منتشر کرده و پیشتر ۹۳ شعر است. همین ناشر، کتاب «یورتمه در استاد «فرزاد ادیبی» هنرمند هم دشت دلتنگی» او را در سال ۱۴۰۰ استانی و از پیشکسوتان هنر منتشر کرده بود. گرافیک کشور و زاده‌ی این مجموعه در ۱۱۸ صفحه، شامل سنقر و کلیایی، طراح جلد این دو دفتر با نام‌های «پریشان تر از کتاب است.

به همت نشر مروارید؛ تازه‌ترین کتاب محسن حسینیخانی، شاعر جوان کرمانشاهی با نام کوه صدایم را پس نمی‌دهد منتشر شد محسن حسینیخانی، متولد ۱۳۶۷ در هرسین است و شعر را به صورت حرفه‌ای از سال ۱۳۸۶ در موسسه فرهنگی کارنامه شروع کرد و تاکنون ۸ مجموعه شعر در

آیا مادران نسل نو، دشمنان زبان کوردی‌اند؟

زبان مادری و مهاجران سرگردان

جلیل آهنگر نژاد

در مقدمه‌ی کتاب «خشونت» اثر «اسلاوی ژبک» آمده است: «داستانی قدیمی درباره کارگری وجود دارد که گمان دزدی درباره او می‌رفت. هر روز عصر که از کارخانه برمی‌گشت، چرخ دستی او را به دقت می‌گشتند. نگهبانان نتوانستند چیزی پیدا کنند. چرخ دستی همیشه خالی بود. سرانجام کاشف به عمل آمد که کارگر، خود چرخ دستی‌ها را می‌دزدیده است!». این دقیقاً همان داستانی است که ضمن هوش‌ریایی از گویش‌وران زبان کوردی در جغرافیای کرمانشاه و ایلام، هویت زبانی و فرهنگی بخشی از آنان را به یغما برده است.

وقتی در جامعه، تنها از یک زبان، «قدسی‌سازی» می‌شود، بر اساس جبر ناشی از چنین قدسیتی که به بازوی «قدرت سخت» هم گره می‌خورد، کاربران دیگر زبان‌ها به گوشه‌ای رانده می‌شوند. آنها را «دیگری» می‌خوانند و دیگری بر اساس «کلان‌الگو»های قدرت، «غیر» نامیده می‌شود.

مشروعیت‌زایی برای چنان زبانی، گاهی می‌تواند به کشاکش صخره‌وار اما نهان هسته‌های پیوندزای درونی زبان غیر با زبان قدسی منجر شود. اما در این میان به دنبال پیدا و پنهان، بسیاری از ساکنان کف جامعه‌ی زبانی «غیر» به ناچار تسلیم انگاره‌های کاذب قدسی می‌شوند. اتفاق ناگواری که این سال‌ها در جدالی پنهان با آن دست و پنجه نرم کرده‌ایم.

ما و بس‌یاران دیگر را «دوزبانه» می‌نامند. همان‌هایی که آشکارا گرفتار نوعی از خشونت زبانی بوده و هستیم. خشونتی که می‌خواهد ما را به «آبزه‌ی دیگری کوچک» تبدیل کرده و حد و مرزهای زبانی‌مان را با تهدیدهایی جدی مواجه نماید و به گونه‌ای گرفتار رنجی مستمر شویم. اگر در هر عرصه‌ی، خودی و غیر خودی، توجیهات عام و خاصی داشته باشد، در عرصه‌ی زبانی، چنین توجیهاتی را به هزار و یک ادله‌ی منطقی و علمی نمی‌توان پذیرفت...

اگر به دنبال گره‌های کور مصداقی دیگری در توجه به زبان مادری باشیم، می‌توانیم با چنین سوالاتی روبرو شویم و به دنبال پاسخ‌هایی برای آنها بگردیم: آیا در کرمانشاه و ایلام، جدا از امر زبان قدسی، بزرگترین دشمنان زبان مادری، خود مادران هستند؟! چقدر چنین گزاره‌ای را درست می‌دانید؟ چقدر درصد مادران نسل نو، تمایلی ولو اندک به زبان مادری دارند؟ و در این راه سعی می‌کنند فرزندانشان را با زبان مادری آشنا کنند؟

کم نیستند پرسش‌هایی از این دست که ذهن بسیاری از کنشگران عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی را به خود مشغول ساخته است. امروزه در بسیاری از خانواده‌ها با معضلی به نام «دختران فراری از زبان مادری» روبرو هستیم. این اتفاق در بین پسران چنین خانواده‌هایی کمتر دیده می‌شود. دلایل چنین امری می‌تواند سه‌سوزه‌های مهم پژوهشگران زبانی باشد.

اهمیت زبان مادری که به قول هایدگر «قرارگاه هستی‌ماست»، بایستی به عنوان یک اصل هویت‌بخش به کف جامعه شناسانده شود. اصلی که حد و مرز متفاوت جهان هر انسانی است و الزماً بایستی چنین شناختی به فراد، قدرت حفاظت از این حد و مرز را عطا نماید. کم نیستند افرادی که از چنین قرارگاهی مهاجرت کرده‌اند و هیچ دلیلی برای ماندن در دهنشاهان نداشته‌اند!... خود این مسئله، وظیفه‌ی کنشگران زبان و فرهنگ کوردی را دوچندان کرده است.

این مهم است که مهاجرت از زبان مادری، به هر فردی اقامت تمام‌عیاری را در زبان مقصد نمی‌دهد. حتی جملات، اصطلاحات و واژه‌های زبان دوم هم به نوعی نامحسوس، سر‌ناسازگاری با چنین مهاجرتی دارند.

دنیای معاصر، دنیای زنان است. این را در جنبش‌های فرهنگی، اجتماعی و... به اثبات رسانده‌اند. ما هم در این سال‌ها چشم امید به جنبشی فرهنگی از سوی زنان کورد با شور داریم که با بازیابی هویت زبانی‌مان، دنیای تازه‌تری را به روی نسل‌های تازه‌تر بگشایند. حرف‌نهایی را هم از زبان مولوی بگویم که: «در زمین دیگ‌ران خانه مکن...». اگر در خانه کس است، یک حرف بس است...

نعمت زحمتکش فعال فرهنگی یارسان در کنفرانس دانشگاه گرمیان ارائه کرد:

مقاله «ارزش دست‌نوشته‌های کوردی گورانی»



بین‌المللی حائز اهمیت است: نخست این که در تاریخی مربوط به این منطقه دچار نابودی نعمت زحمتکش از فعالان فرهنگی کورد کرمانشاه منطقه گرمیان اقلیم کردستان، بزرگترین نسل گردیده اند. پس از شرکت در چهارمین کنفرانس بین‌المللی کشتی تحت نام «انفال» در زمان بعث صورت گرفته وی که به‌سبب ارائه مقاله‌ی ارزش دانشگاه گرمیان، سطح علمی و اجرایی آن را قابل و بیش از ۱۸۲ هزار زن و کودک قربانی این جنایت دست‌نوشته‌های کوردی گورانی به گرمیان رفته بزرگ ضد بشری شده است و نیز به علت همین بود، افزود: در این کنفرانس مکتوبات و سایر این کنشگر فرهنگی در تشریح روند برپایی فاجعه‌ی تلخ، هزاران روستا و آثار تاریخی، هنری، موارد مربوط به علوم انسانی گرمیان مورد چنین نشست‌هایی گفت: از چند لحاظ این کنفرانس ادبی و نُسَخ خطی و سایر مکتوبات فرهنگی و بررسی، معرفی و بازسناسی قرار گرفت.

مادر آرینا دختری که در فضای مجازی به خاطر خاطره‌هایش هواخواهان زیادی دارد:

کوردی گفتن با بچه‌ایمان را افتخار می‌دانیم

والدین، فرزندان‌شان را به همایش‌ها و مراسمات کوردی ببرند

پارسا پاینده



شیرین‌زبانان دخترهای کوردی به نام نارینا در فضای مجازی و بویژه در اینستاگرام موجب شده بسیاری از پُست‌های این دختر خردسال و ایرال شوند و دست به دست بگردند تا مخاطبان بیشتری «روز مَره گویی»‌ها و خاطراتش را به همان شیرینی زبان فاخر کوردی بشنوند.

نارینا اهل سرپل ذهاب است. پدرش مهندس کشاورزی و مادرش فرهنگی است. اینکه در چنین خانواده‌ی تحصیلکرده‌ای چنین فرهنگی ریشه بدواند و پایبندی‌شان به زبان مادری، اینچنین شکوهمند به تصویر کشیده شود، اتفاق بسیار شیرینی است و امیدواریم که سایر خانواده‌ها هم که در این خاک کهن زندگی می‌کنند، از چنین خانواده‌ای الهام بگیرند و گنجینه‌ی میراث معنوی خود را به تراج باد نسپارند.

خواستیم با مادر نارینا یک گفتگوی ساده‌ی مجازی داشته باشیم که بیشتر با فضای چنین خانواده خوبی شما را آشنا کنیم. چند سوال ارسال شد اما خانم کریمی بی‌توجه به سوالات، یک متن خوب خواندنی که پاسخ همه‌ی سوالات را در خودش دارد، برایمان فرستاد. ما هم بی‌آنکه خمی به ابرو بیاوریم! این متن پاسخگونه را تقدیم شما می‌کنیم:

با سلام به همه‌ی مخاطبان خوب نشر به صدای آزادی و سایت فرهنگی بلوط، «شبم کریمی» هستم. مادر آرینا، یک فرهنگی و فعال عرصه‌ی ادبیاتم. در خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که کوردی گفتن با بچه‌هایمان را افتخار می‌دانیم و از همان روزها که بحث حرف‌زدن و ادای اولین کلمات فرزندانمان به میان می‌آید، با بچه‌هایمان کوردی حرف می‌زنیم. آرینا هم در چنین محیطی زندگی می‌کند.

جالب است در همین ابتدا با خاطره‌ای شروع کنم که: شبی یک مهمان تهرانی داشتیم. آن مرد سیدرضا نام دارد و از دوستان پدر آریناست. با دخترم تهرانی غلیظ حرف می‌زد اما آرینا بر خلاف همه‌ی روزها ساکت بود. برایمان سوال شد که چرا آرینا هیچ واکنش کلامی خاصی نشان نمی‌دهد. پدرش کنجکاوانه از دختر پرسید: آرینا گیان نر! چشمتی نیه و شید؟ او که انگار لحظاتی منتظر چنین سوالی بود، گفت: وه عه لی تا کوردی قسه نه که ئ، جووئی نیبه م!.

پدرش گفت: «یان ته پیرانین! کوردی نیه زانن.» او هم بی‌هیچ مکنی گفت: «بوش چه ن رووژ له پیره بمینئی ک کوردی نیشانی بیه م!» اینها نشان از این دارد که فرزندانم، خودش به این باور رسیده است که بایستی به زبان مادری اهمیت بدهد.

من هم به خاطر چنین اتفاقی بسیار خوشحالم و شکرگذارم که به هدفم نزدیکتر شده‌ام. من یک فرهنگی هستم. متأسفانه بارها و بارها همکاران و کسانی که مرا می‌شناسند، بر من خُرده گرفته‌اند که: شما که حالا

متأسفانه بارها و بارها همکاران و کسانی که مرا می‌شناسند، بر من خُرده گرفته‌اند که: شما که حالا فرهنگی هستتید، چرا با فرزندت کوردی حرف می‌زنید؟! سوالی که ممکن است هنوز برخی از نابلدان هم از برخی مادران بپرسند.



فرهنگی هستتید، چرا با فرزندت کوردی حرف می‌زنی؟! سوالی که ممکن است هنوز برخی از نابلدان هم از برخی مادران بپرسند. البته در پاسخ به این افراد کوتاه نیامده‌ام و سعی کرده‌ام که آنها را متقاعد کنم که حفظ اصالت وظیفه‌ای است که همه‌ی افراد جامعه بر عهده دارند.

خوب است به مخاطبان شما عرض کنم که سال‌هاست در مسیر حفظ زبان مادری به عنوان یک شاعر و کنشگر ادبی به فعالیت مشغولم و خوشبختانه توانسته‌ام موفقیت‌هایی هم در این عرصه کسب نمایم که از جمله آنها، برگزیدگی در جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای است.

در این گونه نشست‌ها و همایش‌ها آرینا هم معمولاً حضور دارد. شاید یکی از دل‌چسپ‌های علاقمندی به زبان و فرهنگ مادری از چنین فضاهایی بر روی دخترم گشوده شده است. تا جایی که خودش هم دوست دارد به عالم سرایش شعر هم ورود کند. در اینجا خوب است توصیه کنم که پدران و مادران عزیز ضمن حضور در همایش‌ها

و نشست‌های ادبی و فرهنگی کوردی، فرزندان‌شان را نیز به طریق غیر مستقیم با چنین فضای روح‌بخشی آشنا نمایند.

این روزها و ماه‌ها یکی از سرگرمی‌های خوب نارینا، خواندن شعرهای کوردی از شاعران مختلف است. حتی به عنوان تفریح و سرگرمی هم این شعرها را گاه با صدای بلند می‌خواند و کم نیستند افرادی که او را می‌شناسند و تقاضای می‌کنند شعری برایشان بخواند. حتی بسیاری از آهنگ‌های کوردی را هم به حافظه سپرده و علاوه مشتاق دابسمش هم هست...

من و پدر آرینا با هم کوردی حرف می‌زنیم و از همان بچگی هم با آرینا کوردی حرف زده‌ایم و این باعث تقویت زبان کوردی و صریح و روان حرف‌زدن آرینا شده است. حتی با برادر کوچکش هم کوردی حرف می‌زند و شعرهای بچه‌گانه‌ای را که به‌سبب خودش خوانده‌ام، برای برادرش می‌خواند. تا اینجا هم به لطف و برکت زبان مادری و فرهنگ کوردی موفقیت‌های زیادی داشته‌ایم و انشاءالله که بتوانیم

رنگ و بوم

یادداشتی بر کتاب در دست انتشار «نقاشان کرمانشاه»

شور نقاشی در دیار کهن کرمانشاه



محمد زحمتکش/مدرس دانشگاه

در طول تاریخ، همواره افرادی که کرمانشاه و کرمانشاهیان را ملاقات کرده‌اند، این دیار و مردمانش را با نام‌ها و اوصاف گوناگونی توصیف کرده‌اند: «سرزمین آب و سنگ، کوه و سراب، جنگل و بلوط، دشت و دمن، همچنین مردمانی غیور، مهمان‌نواز، بزرگ‌منش، دلاور، پهلوان، سینه‌ستبر ایران...» و صدالبته دیار هنرمندانی اهل ذوق، شعر و هنر و اندیشه.

کرمانشاه، سرزمین نقش، رنگ، احساس، شور و شعور به طبیعت، کوهستان و دشت‌های بکر و دست‌نیافتنی است. مردمان این دیار، عاشقانی لبریز از احساسات درآمیخته با زیبایی طبیعت اند که این ویژگی در معماری، لباس، دست‌بافته‌ها و صنایع هنری‌شان رسوخ و نفوذ کرده است. ریش‌سها و اصالت این مردمان با کوه‌های بلند، صخره‌های ستبر، جنگل‌های بلوط، آهوان خوش خرام و پرندگان رنگارنگش قرین و عجیب گردیده است.

کرمانشاه، سرزمینی است که با عظمت و پابرجایی بیستون (بهستون یا بغستون) و شکوه و نخوت تاریخ نگاشته شده و حک شده در دل سنگ و صخره‌ها، راوی سرگذشت پرنج و افتخار مردمان نجیب و دلیری شده است که در بطن و متن حجاری‌های پادشاهان برای ثبت در زمان نگاشته و یادگار دوران شده است.

کسی چه می‌داند، در مسیر پر نشیب و فراز تاریخ ایران زمین و این دیار، چه بسیار هنرمندان و نقش‌آفرینان آمده‌اند و رفته‌اند تا بتوانند هنر خود را در هر جایی و با هر امکانی ثبت و ضعیف نمایند. از نقوش حک‌شده بر صخره‌های سنگی «آتوبانی نی» گرفته تا «بیستون» و «طاق‌بستان»، از زیراندازهای سنتی و گلیم و جاجیم و هرسین و اورامانت گرفته تا نقوش و رنگ‌های دل‌نشین و شورانگیز بر روی لباس‌های الوان؛ و نیز موج‌های منقوش و دیگر صنایع سنتی و هنری زنان و مردان هنرمند این دیار.

هنر نقش‌آفرینی و نقاشی، این فریحه الهی که در وجود انسان‌ها به ودیعه نهاده شده است، موهبتی که به قول افلاطون: «للهما (میوزها) از عالم حقیقت آن را بر ذهن و لوح جان هنرمندان الهام می‌کند». در گذار ادوار مختلف همراه با تحول و تکامل، هنرمندان و مخاطبان خود را یافته و با خود همراه کرده است. هنرمندانی که از طبیعت و جهان خلقت، نقش‌ها و رنگ‌ها را همان گونه که ارسطو گفته است: «محاکات» می‌کردند و با نگاه عمیق و دقیق خود زبان بصری جدیدی خلق کرده و این نقش‌ما‌یه‌ها را در کتیبه‌ها و نگارها بکار می‌بردند. بدان گونه که در معماری‌های سنتی، نقوش مساجد و تکیه‌ها و حتی معماری داخلی منازل و ابنیه شهری هنوز هم می‌توان آثار آن‌ها را مشاهده نمود.

پیشگامان هنر نقاشی در کرمانشاه، برای یافتن گم‌گشته‌های درونی خود نه تنها از تقلید طبیعت و فضای بکر آن بهره می‌برند که حتی تلاش و تکاپوی شاکردی استادان برجسته‌ای چون «کمال‌الملک» و بزرگان «مدرسه دارالفنون» را بر خود هموار می‌ساختند و بر مهارت و هنر ورزی خود می‌افزودند.

کودکان اهل ذوق این دیار، با مشاهده طلوع خورشید و تلاؤ رنگ‌ها بر کوهستان و جنگل‌های بلوط و خرامیدن آهوان و کبکان رنگارنگ در میان علفزاران بکر زاگرس، مادرزاد نقاش و تصویرگر به دنیا می‌آیند و در دامن این همه نقش و نگار می‌یابند و قد می‌کشند. نقاشان و هنرمندان جوان کرمانشاهی، خالق نقوشی هستند که احساس را آمیخته با حقیقت بکر طبیعت با تمامی وجودشان می‌همند و نقش عشق را به پشتوانه هزاران سال قدمت تصویرگری، نه در دل کوه‌ها که در دل خویش حک می‌کنند.

در مسیر تطور و تحول بیان هنری، زبان نقاشی، سبک‌ها و ایسم‌های هنری، بسیاری از هنرمندان کرمانشاهی از این قافله پر تلاطم جا نمانده و همراه و هم‌نشین با کاروان روشن‌فکری و روشن‌اندیشی در عرصه هنر، جوانان دیگر گرایش‌های نوین فکری و آوانگارد دانش‌گامی، با درم وادی‌های نوین بیان هنری و تصویری گذاشته‌اند و سهم خود را در این روند تحول و تحویل تاریخ جسم‌تجو می‌کنند، تا جایی که آوازه بیان هنری‌شان، فراتر از دیار خود و سرزمین مادری، در جای‌جای دنیای متمدن امروز دیده و پسندیده شده است.

در دیار کرمانشاه، تمایل به آموختن و تجربه‌اندوزی در خلق آثار نقاشی، در کنار دیگر عرصه‌های فکری و اندیشه ورزی، سبب شده است تا نقاشان و هنرمندان خودساخته‌ای پرورش یابند که با نگاه بکر و خالص خود که ریشه‌های عمیقی در طبیعت و تاریخ این کهن دیار دارند، ضمن حفظ سنت‌های نقاشی قدم در عرصه‌های نوین هنری جهان مدرن و پسامدرن بگذارند، هرچند هنوز تا رسیدن به درجات پختگی و کمال فاصله‌های معناداری دارند، اما خودباوری، جسارت، تلاش و نگاه عمیقشان تحسین‌برانگیز و تأمل‌آفرین است. برای همه نقاشان و هنرمندان سرزمینم، پیشسرفت در این راه پر نشیب و فراز، خلافت در بیان هنری، اعتماد و اتکا به داشته‌های ریشه‌دار بومی و تبلور بیش‌ازپیش اندیشه و قلم هنری، آرزوی منم.

بويش ئى ھه كايه ته: كاكي رشيد نجفي. اسلام آباد غرب (شابات خوهه نشين)

هه پلي هه پاو



● سيامهك نه جهفي / نو سهر

ته مه ل بار ها تو. نه و يش گشت وه ي باوه ته بي، دا لگ خوه ئ هه ر كار ئ كر ديا تا به شك م كوره گه ي زوره يي ناتيا. كوره گه يش ئه را خوه ي دا ييم و دهر ه م بازي و گه مه كر ديا و خه ريك هه لس بنيش، خوه ي بيا.

يانئ بو شميش نه وجو نه وي كور له شوون خوه ئ، خوه ئ بكو تيه زه ويا و هو ش نه گه ي. به س خوا نه گه ي دا لگي كار يگ بياتيا پتيا، مومك ن ه وي نه و كار ه بكر ديا. نه كر ديا ك نه كر ديا. كر ديا ده ي خاپوره بازي و وه شوئي خستيا ده ي پشت گووش.

كار وه نه و را ه سي، ژن دو نستا كوره گه ي كه م كه م زا ناكه ي وه ته نسا له دهر مال يا بنه يه ده يشت.

بيوه ژن دي وه ي ناخره هه ر چي وه لي هان داد و كووشش كرد، كور ئ كلي بكه يدن به شك م بچو كار بكه يدن، كور هه ر جار ويانكي هاور ديان و په لپي گر ديان و له مال نه و دهر نه كه فتيا دن.

دا لگي، هه ر چه نيش فر ه دووسي داشت نه مانتيك دي وه ده سي ناسي بو و فر ه يش دلئ سوزيا ئي كور دوزه ريه نيچوور جوور په مگه و پشنتي نه را هوو يش كار ئ ناچه مي. دا لگ كه فته و بيه ر و چاره يگ، چه بكه يدن به شك م بتواني كور ملهور و زه لامئ له مال كل كه يه ده يشت تا پشتي بنه منيه ناو كار.



بوتيد ه يان تا وه پيت بسكه بيه ن. به س نه را ئي كار ه راز يگ هه سن، بايه سيگان ه رازي بيليه يان وه پيتان بو شيدن دووسي يان دير يدن. نه وانيش وه تو ويشن دووست دير يمن."

هه پلهه باويش بازي ششه و خوهه يي

.. ژن، وه ختي خاس نوور ست دي كر دگار يه يادگار و ماندگار فر ه خون شير ني وه شو ه گه ي وه پي داگه. يه كور ز مه ر ه دار و هه پك مه پك. نه و يش، چه ني شو يه گه ي ئا مانه تي دا يوه يي ...

بكه په مائيگ بوچك و نو قلي و خنج و منج، پر له نشق و نارامش و دلخوه شي. مال نه وجو هس و گيان زنده گي له زاتي و نه وانيش چه ني دووسي دير ن و له نه وه شه وه يله نه وانيش وه قسه ئ ئيه ئ خاس گووش ده ن.

وه ختي كه ستيگ له هاوساگان يا بنا ناو نه و

نشق و دووسي له زنده گي كر دوه ئا مانج و نيشانه يگ دياري نه را شاچكي و ئا زايه تي. هه ر وه ئي مدوهه بي، نشق و سه ميميه ت له ناو مال و زنده گي و ناو دلئ ريشه داكوتايي و له زيانايي ئي نشقه وه كار برديان. ژن چياده دووخ ك چشتي، خاس سرنج كول چشته يل دور و وه ر خوه ئ گر ديا. نه وه بي دا ييم وه هه پلييه پاو وه تيا:

بيوه ژن فر ه مناله گه ي دووس داشت و قمشي نه كر ديان و هه ر يه مناله گه ي بكر ديان، و نه يشتيا ده س وه فه ي سيه و چه ر مگوه بياتان، تا نه و را بچه وه پي كريا مناله گه ي فر ه باهه يه ووه هوسن و نور كان نيوه ت كر ديان.

ييره نكه كوره گه ئ بو ه زه لا ميگ و ته نيا ئير اد يگ داشت و تازه نيسه ته بيوه ژن كلك خوه ي گه زي، نه وه بي، مناله گه ي فر ه

بوتيد ه يان تا وه پيت بسكه بيه ن. به س نه را ئي كار ه راز يگ هه سن، بايه سيگان ه رازي بيليه يان وه پيتان بو شيدن دووسي يان دير يدن. نه وانيش وه تو ويشن دووست دير يمن."

به ش به يم: وه كوو بزه فيم، باريم وه كوو بزه فيم، بزه فيم وه به زنيگ. ئي زنه خوه ي و يه منالي وه تاخ ته نيا له سووك

شاري ژيان كر ديان. ژن قه ير فر ه يگ بي، ته نيا كه فتو و بار گوز ه ران زنگانسي خوه ئ و ته نيا منالي له مل خوه ئ بي. ژن شه و و رووژ نه كر ديا به شك م زين له كور ئ وه خوه ش و خوه شمه ني وه سهر بچيا.

فكر و ز كر ئ بو يه نه وه چه بكر ديا ئي مناييه خاس نيوه بكر ديا تا به شك م نه وه گه و را بيا و سه ريگ له سه ران دهر باور ديا. ژن تا سه ر جمان، روژ گار نه وجو له ژيانئ ژا و هاور د، ژان و ژار زين له گيانسي كار نه كر ديا و سه ر مه س نشق زنده گي ول ته نيا كور بوچكي بي؛ كه وه به كه ش ته فر ه نجسي كه فت نيسه دي كور بوچكي بيه سه زه لا ميگ و كور جايگته.

هه نه زانست كوره گه ي چو گه و را بي و بيه جاييل جوانسي. ناو نه و كوره خوه ئ و شو يه گه ئ وه ختيگ شو يه گه ئ هه ر مان نمري له دنيا بي و وه له كا: نه ي كر ديان، ناوي بر ون. ناو ئ ناونه هه پلييه پاو. نه و ژنه هه ر نه و وه ختانه هه پلييه پاو فر ه منال بي، بيوه ژن كه فت.

شو يه گه ئ فر ه نمري له ي دوونه نه وي و زو جامه ي گووران. نه و كيشكي تو جاري بي، و كار قه لاوري و كارا و انچيگه ري نه را تو جاريگ نامدار و مه ر دم دار يگ كر ديان.

شو يه گه ي به كه ش وه ختي ول كاروان تو جاره گه يا چوودن، دي وه دواوه نا تي دن و بي شوون و دوون نو قم نا په يا بوودن. ژن مانگه يل مانگ چه و پي هاتنه دواوه شو يه گه ئ بي؛ دل ول ناو دلئ نه وي كه ي شو يه گه ئ بايده دواوه. تا ك يه رووژ له شوون چه ني چه و ري بين، خراو ترين و دهر دن اك ترين و زامدار ترين خه وه ر زنده گي وه يي دان.

نه و يش نه وه بي، له لاي تو جار خاونكاره گه ي هاتن، وه تنه يي:

"شو يه گه د فه و تياسن و نيمه يش هه ر له بيا وانه يله نايمنه سه ي خاك."

ژن قه قير تو استيان دن شيت و لئوه بوودن؛ هه لا يه بيه به يده كوه. رووژه يل و شه وه يل و مانگه يل ئا ز يه تباري كرد و سيه پووش بي. يه رووژ هاوساگه يل هاتنه لاي و وه تن:

"نه ي دا لگ هه پلييه پاو، خاسي نه يرئ چله فر ه وه خته ر ه ي بيه، تو دا لگ هه پلييه پاو يد، ئي شه وي سيده ته و بيسا دهر بار يد، نه را ژن جوان خاسي نه يرئ وايه ي فر ه يگ سيه پووش بيد."

ژن، وه ختي خاس نوور ست دي كر دگار يه يادگار و ماندگار فر ه خون شير ني وه شو يه گه ي و يي داگه. يه كور ز مه ر ه دار و هه پك مه پك. نه و يش، چه ني شو يه گه ي ئا مانه تي دا يوه يي.

شو يه گه ي ناخرين جاريگ وه سه فه ر چي، وه تاي دلوه نشق و دلداري خوه ي جاريگ تر وه يي نيشان دادن. وه پاي دهر ه گه وهر جله نه وه بچوه ده يشت وه ت:

"نه ي ناز خاتون من! چه و مه س من! تا من تيه مه وه، هووشد وه ئي هه يل منه خاس بيه روه."

له نه و را ك نه وسا، دهر وه ي پياوه تي و پياوه تداري بيه، تو جار پياوه تسي كه ئ، كر دوه ي كيشكيجه ري قه لاوه گه ئ، هه ر چي بي و چشتيگيش وه جياي خوني نه يه بائي و ده يه بيوهه ژن شو تازه مردگ.

ژن توانست وه ول نه وي به كم پت بوله و چشتيگ زو تر پشتنه دس خستو، يه كه لاوه يگ له لي له سو ك شار بسيتن تا سه ر سو كايه گ نه را خوه ي و نه و مناليه داشتو.

ژن دي ده سلات چشتي تر نه ياشت، و نه كه س خوه ئ و نه كه س شو ه گه ئ له په ر ئي شاره داشت و نه قوم و ناسيار يگ. ناچار بي وه هه ر زليمه تيگ بوو، خوه ئ نه و مناليه، نه و ته نيا ماندگار و يادگار شو يه، نيوه ت بكه يي.

نه ر چه نه وسا دهر وه ي راسي و دور سي بيه، به س له نه و رووژ گاره فر ه سه خت بيه زنيگ بتوانستيا خوه ي وه ته نيا بز يا. دي له په سا يا منايگيش بياتيا شتيا و نيوه ت منايش وه پي

باسيگ له سهر جوش داين ئاسن و...

ميهدى جهليليان

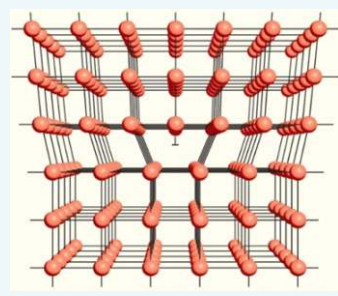
ديار ده ي ئالوژرو يي

ئيله جهمنه يا ئالوژرو يي ديار ده ي بوني جهمنه يل جياواز فيز يكي نه را ي به ي توخمه. هه ر يه ك وه ي جهمنه يله ناويان نه نه ئالوژرو پ. ئالوژرو پيل جياواز هه ر توخمه گيگ توتن به دو شتيوه له يه كتره كي جياواز بوون:

- په يوه ندي كيميايي: نه را ي نمونه نو سيجن و نوزون يا گرافيت و نه لماس
- ساز هيل بلوري: نه را ي نمونه ناسني ئالفا و ناسني گاما

ئيله جهمنه له ناو ده سسه ي حاله ته يلي فيز يكي ماده گان ني چوودن و كار ئ ها گه ر د سساز هيل په يوه ندي كيميايي له لاي نه تومه گاني به ي توخم. نه را ي نمونه هلمسي ناو، و يه خ ئيله جهمنه نيي، چو ن وه گه ر د گور يايي په يوه ندي فيز يكي له لاي مؤليكو له يل ناو دوروس بوون نه ك وه گه ر د گور يايي په يوه ندي كيميايي له ناو مؤليكو له يل ناو.

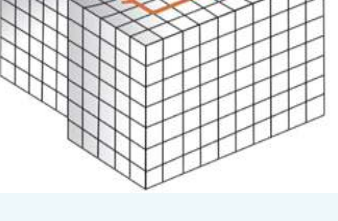
ئو ناوه جي بونه له لئوي سه فحه ي ناوه و او بايس فر ه ترين شتيوانن بوودن و ناوه جي لئوي ناو گر تته. به واتايي تر، نيمه سه فحه يگ ك وه لاي سه فحه يل نه تو مي كامل قه رار گر ه يدن و لئويگ دوروس ت بوودن نسي جوور ناوه جي بوونه تيبه يده عمه ل و به در ئايي لئوي نيمه سه فحه ي نه تو ميگ كه فتين.



ناوه جي پيچي

له ناوه جي پيچي، نه تو مه گان له وه ز بلوري راسبنه ي خويان چنه و زنيگ هاوشتيوه ي پيچ. نه را ي سه فحه يل نه تو مي كه له بنه ر ه له گه ل په كتره كيا هاو ته ر يب بو ن، به شتيوه يه گ شتيواو و جئوه جي بوون كه روه لئوي مار پيچ به ر دو اميگ له دهور ئ ناوه جي كه كه و ك ميچوره ئ پيچ كار كه يدن دوروست كه ن.

له ناو نه لماس هه ر نه تو مي كه ر بوون وه چوار نه تو مي كه ر بوون تره ك له ناو تو ريگ چوار روه نرياسه به كاو. له ناو گرافيت هه ر نه تو ميگ به سسي نه تو مي تره ك له ناو تو ريگ سه فحه ي شه شگوشه نرياسه به كاو. ئالوژرو په گان چه مه ني جياواز به ي توخم. نه را ي نمونه نه لماس و گرافيت ئالوژرو يي كه ر بوون، نه گه ر چه فر مان وه كول جياوزه وه به كتره كي. ته نيا جياوازي يانه ريختستن نه تو مه ل و لاي به كه.



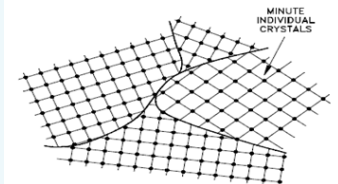
كه لومه ي رويي و قه بله يي

مه رز دانه له و كه لومه يله سه كه نه سه ر فريگ له سه ر تايه تمه نديل فيز يكي و كيميايي ماده در ي. نه را ي نمونه وه مه رز دانه وه ك شووني كارامه نه را ي ده ستئي كر دن ژه ننگ باس كه ن. هه ر وه ها له پله گه رمي و تا ق، بوني مه رز دانه به ه نزي ماده گه فر ه كه يد، چو نكه له شتيوانني پلاستيكي ي رگي كه يدن؛ له لاي تره ك له پله ي گه رمي به رز، بوني نه وان بايس شتيوان پلاستيكي (له نه سه ر خه زين) بوودن. هه ر وه ها وه ئي گوور يان ئا راستن نه تو مه گان ناو مه رز ه يل دانه نه سه ر كه نيگ له سه ر رتوه ر يه تي كره بايي و گه رمي در ي.

له سساز بين ماده ي بلوري (به تايه ت فلز گان)، كو نتر و لكر دني نه ئه ده ي مه رز دانه يل فر ه مه يه ت در يدن. نه را ي كو نتر و لكر دني نه ئه ده ي دانه و مه رز دانه پر و سه يل فريگ نه جام در يين، ك بوونه ي نه وه يش مه يه ت مه رز دانه له تايه تمه ندي فيز يكي و كيميايي ماده ي بلوري.

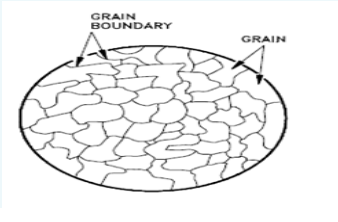
مه رز دانه له و كه لومه يله سه كه نه سه ر فريگ له سه ر تايه تمه نديل فيز يكي و كيميايي ماده در ي. نه را ي نمونه وه مه رز دانه وه ك شووني كارامه نه را ي ده ستئي كر دن ژه ننگ باس كه ن. هه ر وه ها له پله گه رمي و تا ق، بوني مه رز دانه به ه نزي ماده گه فر ه كه يد، چو نكه له شتيوانني پلاستيكي ي رگي كه يدن؛ له لاي تره ك له پله ي گه رمي به رز، بوني نه وان بايس شتيوان پلاستيكي (له نه سه ر خه زين) بوودن. هه ر وه ها وه ئي گوور يان ئا راستن نه تو مه گان ناو مه رز ه يل دانه نه سه ر كه نيگ له سه ر رتوه ر يه تي كره بايي و گه رمي در ي.

له سساز بين ماده ي بلوري (به تايه ت فلز گان)، كو نتر و لكر دني نه ئه ده ي مه رز دانه يل فر ه مه يه ت در يدن. نه را ي كو نتر و لكر دني نه ئه ده ي دانه و مه رز دانه پر و سه يل فريگ نه جام در يين، ك بوونه ي نه وه يش مه يه ت مه رز دانه له تايه تمه ندي فيز يكي و كيميايي ماده ي بلوري.



حورفه

حورفه گان وه گلزه يلي كه وه قه رق به ساين كه فتنه سه جام يا گووش ر يايي شوونه يلي چوول له حاله تي قه دوروس ت بوون. حورفه گان فر ه جار وه كه كه لومه يل نه خوار و او وه حسا و تيه ن. بوني حورفه له ناو ماده ي بلوري كريس تالي يا ناكري س تالي قايم بو ن ميكانيسي تيره يده خوار و ماده گه ناماده ي له به ين چو ن كه يدن.



ئيله جهمنه يا ئالوژرو يي ديار ده ي بوني جهمنه يله جياواز فيز يكي نه را ي به ي توخمه. هه ر يه ك وه ي جهمنه يله ناويان نه نه ئالوژرو پ. ئالوژرو پيل جياواز هه ر توخمه گيگ توتن به دو شتيوه له يه كتره كي جياواز بوون:

1. په يوه ندي كيميايي: نه را ي نمونه نو سيجن و نوزون يا گرافيت و نه لماس

له ناو نه لماس هه ر نه تو مي كه ر بوون وه چوار نه تو مي كه ر بوون تره ك له ناو تو ريگ چوار روه نرياسه به كاو. له ناو گرافيت هه ر نه تو ميگ به سسي نه تو مي تره ك له ناو تو ريگ سه فحه ي شه شگوشه نرياسه به كاو. ئالوژرو په گان چه مه ني جياواز به ي توخم. نه را ي نمونه نه لماس و گرافيت ئالوژرو يي كه ر بوون، نه گه ر چه فر مان وه كول جياوزه وه به كتره كي. ته نيا جياوازي يانه ريختستن نه تو مه ل و لاي به كه.

كه لومه ي رويي و قه بله يي

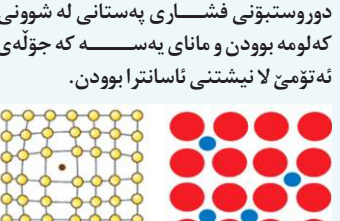
مه رز دانه له و كه لومه يله سه كه نه سه ر فريگ له سه ر تايه تمه نديل فيز يكي و كيميايي ماده در ي. نه را ي نمونه وه مه رز دانه وه ك شووني كارامه نه را ي ده ستئي كر دن ژه ننگ باس كه ن. هه ر وه ها له پله گه رمي و تا ق، بوني مه رز دانه به ه نزي ماده گه فر ه كه يد، چو نكه له شتيوانني پلاستيكي ي رگي كه يدن؛ له لاي تره ك له پله ي گه رمي به رز، بوني نه وان بايس شتيوان پلاستيكي (له نه سه ر خه زين) بوودن. هه ر وه ها وه ئي گوور يان ئا راستن نه تو مه گان ناو مه رز ه يل دانه نه سه ر كه نيگ له سه ر رتوه ر يه تي كره بايي و گه رمي در ي.

له سساز بين ماده ي بلوري (به تايه ت فلز گان)، كو نتر و لكر دني نه ئه ده ي مه رز دانه يل فر ه مه يه ت در يدن. نه را ي كو نتر و لكر دني نه ئه ده ي دانه و مه رز دانه پر و سه يل فريگ نه جام در يين، ك بوونه ي نه وه يش مه يه ت مه رز دانه له تايه تمه ندي فيز يكي و كيميايي ماده ي بلوري.



حورفه

حورفه گان وه گلزه يلي كه وه قه رق به ساين كه فتنه سه جام يا گووش ر يايي شوونه يلي چوول له حاله تي قه دوروس ت بوون. حورفه گان فر ه جار وه كه كه لومه يل نه خوار و او وه حسا و تيه ن. بوني حورفه له ناو ماده ي بلوري كريس تالي يا ناكري س تالي قايم بو ن ميكانيسي تيره يده خوار و ماده گه ناماده ي له به ين چو ن كه يدن.



حورفه

حورفه گان وه گلزه يلي كه وه قه رق به ساين كه فتنه سه جام يا گووش ر يايي شوونه يلي چوول له حاله تي قه دوروس ت بوون. حورفه گان فر ه جار وه كه كه لومه يل نه خوار و او وه حسا و تيه ن. بوني حورفه له ناو ماده ي بلوري كريس تالي يا ناكري س تالي قايم بو ن ميكانيسي تيره يده خوار و ماده گه ناماده ي له به ين چو ن كه يدن.

سنگ آزادی

بیوان چوول و ری خالی له ریوار
هوا دلگیر و شهو تهک داسه دیوار
تو هایده خاو و نازاران کوشریان
هه‌ئس «په‌رتنه» هه‌نا که‌ر هاته‌ه‌وار

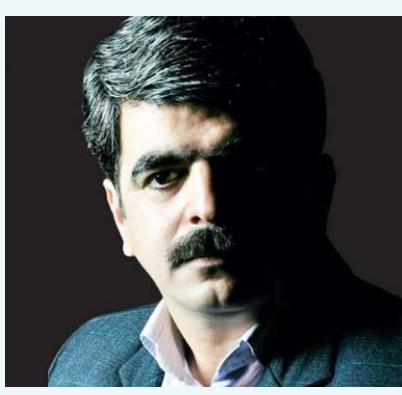
په‌رتنه و کرمانشانی



تهر چگ

چند داستان مینی‌مال از کتاب زیر چاپ

سرباز سرزمین صلح



● مر ترضی حاتمی

دمنوشی با طعم صلح

مرز و کوه‌ها و صخره‌ها و تفنگ‌ها و درخت‌ها و بوته‌های وحشی خاردار و حتی جانوران، مرا به خوبی می‌شناسند. چند روزی است که او را پشت سیم خاردار می‌بینم. بوته‌ی خزنده «نه‌زبوه» تا داخل خاک وطن رشد کرده و ریشه‌ها دوانده است. با هماهنگی فرمانده مرزبانی، آتش کوچکی برپا و از برگ‌های ریز بوته‌ی وحشی، دمنوشی تازه درست می‌کنم.

سرباز آن سوی مرز، کنجکاو به طرف سیم خاردار می‌آید. وقتی بساط چای‌را می‌بیند، لبخند می‌زند و مقابلم می‌نشیند. شیشه‌های مریای هویج‌را از دمنوش تازه دم بر می‌کنم. بوی عطر نه‌زبوه همه‌جا را پر کرده است. شیشه‌ها را از لای سیم خاردار خارج و به طرفش دراز می‌کنم. تردید دارد. لبخند می‌زند و می‌گوید:-- بخور! تازه دمه.

لبخند می‌زند و شیشه‌ها را می‌گیرد. لیوان آلومینیومی‌را از دمنوش پر می‌کنم. او هم آب‌نباتی‌را از جیب شلوارش در می‌آورد و به طرفم دراز می‌کند... دهانم بوی نعنا می‌گیرد.

جنازه‌ای با عطر بلوط

پشت سیم خاردار و درست وسط میدان مین، جنازه روی خاک افتاده بود. باد وزید و کلاهش‌را برد. ایرها به آسمان آمدند. همه‌جا تیره و تاریک شد. آسمان غرید و باران بارید. برگ‌های قرمز و آخراپی و نارنجی درختان بلوط و زالزالک به زمین ریختند. باد تندی وزیدن گرفت. آسمان سفید و برفی شد و لایه‌های سنگین برف روی جنازه نشست. آفتاب به میان آسمان آمد و بر جنازه تابید. برف‌ها آب شدند. لباس و شلوارش پوسیده تر شدند. جنازه روز به روز کوچکتر می‌شد و عاقبت در خاک گم شد.

مدت‌ها گذشت... تنها لباس و شلوار پوسیده با فانسقه‌ای رنگ و رورفته و پوتین‌هایی سوراخ‌از پشت سیم خاردار دیده می‌شد. لوله تفنگ زنگ‌زده بود و زیر نور آفتاب می‌درخشید. بهار بود. وقتی به جنازه رسیدیم، با صحنه‌ی عجیبی روبه‌رو شدیم. از میان لباس‌هایش، چند دانه بلوط جوانه زده بود.

دیزپام

وقتی بمب در نزدیکی ام منفجر شد، گوش‌هایم سوت کشید. گلویم از بوی تند باروت پر شد و چشم‌هایم سوخت. چشم‌هایم‌را باز می‌کنم. لباسی‌آبی پوشیده‌ام. دست‌راست‌م‌را با دستبندی فلزی به میله‌ی تخت محکم کرده و روی میز متحرک، انواع قرص‌های رنگی و آرمبشخ‌با چند شیشه‌شربت چیده‌اند. تمام روز‌را به ورق‌زدن آلبوم کوچک دوران سربازی و جبهه و جنگ و مرور خاطرات با همقطارانم می‌گذرانم. حتی یادم می‌رود که قرص‌هایم‌را به موقع بخورم. پرستار پیر بداخلاق از این‌که قرص‌ها و شربت‌هایم‌را سر وقت نمی‌خورم، اعتراض می‌کند. به او لبخند می‌زنم و آلبوم‌را به او نشان می‌دهم. تمایلی برای دیدن عکس‌ها ندارد.

قرص ۵۰۰ levelimیومی‌رنگ‌را در لیوانی آب حل می‌کنم و به من می‌دهد. آب‌را سر می‌کشم. دستشویی دارم. پرستاری که صورتش‌را کامل تراشیده، دستبند‌را باز می‌کند و مرا به دستشویی می‌برد. موقع بازگشت، چشمم به نوشته‌ی روی در اتاق می‌افتد: آسایشگاه بیماران روانی جنگ

وصیت می‌کنم...

سربازی کاغذهای مخصوص نوشتن وصیت‌نامه‌را در میان سربازها تقسیم می‌کند. گوشه‌ای دور از همه زیر درخت بلوطی پیر می‌نشینم و خود‌کار قرمز بیک‌را روی کاغذ می‌لغزانم؛ بعد از مرگم، پوتین‌هایم‌را به برادرم بدهید و گلویم‌را به پسرند‌ها. زنجیرم‌را به گردن درختی ببندید و پلاکم‌را بر تنه‌ی سروی هزار ساله بکوبید. لباس‌های سربازی‌ام‌را به تن مورچه‌ها و موربان‌ها و جانوران صحرائی بپوشانید تا در روزهای سرد، سرما نخورند. در ققمقه‌ام‌را باز کنید و تا آخرین قطره آن‌را بر خاک بریزید، شاید نهال و بوته‌ی گل‌سرخ‌را سیراب کند.

همین!... نه!... صبر کنید... خونم‌را به خاک سزیمین اهدا کنید تا سربازانی جوان و دلیر از خاکش برویند. پایان وصیت‌نامه‌را امضا می‌کنم.

کوه زرده‌مار و گمانه‌زنی‌های باستانی

«زده‌مار» نام کوهی است در مقابل روستای «هوشیار چله» که قسمت مهم آن شباهتی است که بین آن و کله‌ی مار وجود دارد و بر روی آن کار شده است. وقتی می‌گوییم «سرها کله‌ی مار» کار دست است، این بدان معنا است که از قبل صخره‌ها و تاشه‌ها و ورماهایی وجود داشته. اما در زمان مهر پرستی مردمان آن روز گران بر روی آن کار کرده‌اند و تا آنجا که توانسته‌اند با تراش و صیقل صخره‌ها آنها را به شکل سر مار در بیاورند.

مار در آیین مهر پرستی تقدس داشته و در تمام نگاره‌ها، ایزد مهر در حال کشتن گاو سفید است و در تمام این نگاره‌ها نقش مار و سگی در کنار آنها پیدا است. البته اینها نماد



بوده‌اند. مار و سگ نماد تمام مخلوقات هستند. با خوردن خون گاو زندگی در میان جانداران جریان پیدا می‌کند. به جرات می‌توان گفت «زده‌مار» یکی از بزرگترین نماد‌های مهر پرستی در ایران است که از آیین میترایی به جا مانده است.

نگاه این نماد مهر پرستی بسیار مهم است. احتمال زیادی می‌دهم که در مقابل نگاه زرده‌مار در روزگار باستان، روستا و یا قلعه و یا قبرستان‌های باستانی وجود داشته است. البته با فاصله زیادی در مقابلش قرار داشته‌اند.

از زاویه دیگر هم می‌توان گفت زرده‌مار می‌توانسته محلی برای نیایش و پرستش مهر هم باشد. چون یکی از

● علی بهرامی نژاد

با رای هیئت داوران سومین دوره جایزه گویندگی کوردی

نامزدهای نهایی جایزه گویندگی نرمة واران مشخص شدند



رستمی ۶. نسرين باوند پور ۷. زينب اکبری. پس از اعلام آرای داوران، مرحله‌ی نهایی انتخاب بهترین گوینده و دکلماتور سال کوردی در جغرافیای کرمانشان و ایلام آغاز می‌شود و برگزیدگان دوباره در این مرحله به رقابت خواهند پرداخت. فرد منتخب نیز در مراسم برگزیدگان ادبی کوردی که آن نیز از طرف هفته‌نامه صدای آزادی و سایت بلوط برگزار می‌شود، به طور رسمی معرفی و تجلیل خواهد شد.

گفتنی است داوران این دوره‌ی جایزه‌ی نرمة واران بر عهده‌ی رضا موزونی، رؤیا

وی یکی از اهداف اهدای چنین جایزه‌ای را معرفی و شناخت آثار برگزیده‌ی ادبیات نوین کوردی در جغرافیای باشعوری آن دانست و افزود: مردم مشتاق فرهنگ و ادب کوردی با چنین هنرمندانی می‌توانند برای همیشه بهترین‌های شعر، داستان، قطعه ادبی و سایر فورمت‌های نوشتاری‌را از چنین حنجره‌های شکوهمندی بشنوند و به بودنشان مفتخر باشند. بویژه آنکه امروزه صداهای ماندگار، آثار ادبی موفق‌را ماندگارتر می‌کنند.

مدیرمسئول صدای آزادی و سایت بلوط،



راه یافتگان به دور نهایی سومین دوره جایزه‌ی گویندگی نرمة واران معرفی شدند

مدیر برگزاری سومین دوره‌ی «جایزه‌ی گویندگی کوردی نرمة واران» عصر امروز در گفتگو با خبرنگاران از اعلام راه یافتگان به مرحله‌ی نهایی و نامزدهای دریافت این جایزه خبر داد.

جلیل آهنگر نژاد گفت: خوشبختانه سطح کیفی آثار ارسال‌ی از سوی شرکت‌کنندگان



نسبت به دو دوره‌ی پیشین بسیار بالاتر بود و این امید‌را در دل مشتاقان زنده‌تر می‌کند که چنین حوزه‌ای با استعداد‌های فراوانش می‌تواند سه‌الهای خوبی‌را برای زبان، فرهنگ و ادبیات کوردی رقم بزند.



نامزدهای سومین دوره‌ی خه‌لات بوشه‌ری نرمة واران

کتابی دیگر از مجموعه‌ی فرهنگی صدای آزادی:

سارپژ آماده انتشار شد

فرشاد رضایی، علیرضا زین، ظاهر سارایی، فریدون سبزی، جهانبخش شکر، شیرین شیرزادی، اردشیر کشاورز، شهاب متقی فر، احسان نجفی، مازیار نظربیکی، حسام الدین نظری، وحید نظری، ماشاءالله وروایی و بهروز یاسمی آمده است

گفتنی است پیش از این دو کتاب شی و نه‌یج به کوشش همکاران دیگر صدای آزادی: فرهاد کریمی و اشکان میری منتشر شده و به بازار کتاب آمده‌اند.

در بیستمین سالگشت هفته‌نامه صدای آزادی سومین مجموعه از مصاحبه‌های این نشریه به اهتمام محمدجواد جلیلیان آماده انتشار شد.

در این کتاب گفتگو‌هایی با قدرت‌احمدیان، علی‌الفتی، کیومرث امیری (لک‌امیر)، اصغر ایمانی، چیم‌رحمانی، کیومرث رضایی،



ده‌سه‌لات زانست ئا کادمیک له زیانه‌وه‌ی ئیمرووژیا

● وتاریگ له نه‌شکان میری

ژبان هاوچه‌رخ، وه تاییه‌ت نه‌و به‌شه‌ک وه مؤدر نیسته ناسرپاس، قهرز دار ده‌سه‌لاتیگ له فه‌لسه‌فه‌ئ



مؤدرن وزانست نه‌جرووبیه یا ههر نه‌و زانستئ ک گهر د پرستاره‌یل بئ بن و نادیار خوه‌ئ رووژ وه رووژ به‌شه‌یل نادیار یا که‌متر ناسرپاس سرؤوشت ئه‌ر امان دیار ده‌ی‌ده. له ده‌وره‌ئ رۆنسانس ئوروپا، فیلسوفه‌یل مؤدرن جوور مار سلیبو فیچینو یا پیکۆ دلا میر اندولا سه‌جیاواز له بیر و باوره‌یل فیلسوفه‌یل وهره‌جه خوه‌یان بۆن له ئیتالیاهاتنه‌دی.

ئئ فیلسوفه‌یل نوو خوزه‌ه، هیز گه‌ورائ دانه‌ژاناییل جوور کوپرنیک، گالیله، نیوتون و... له سه‌رده‌مه‌بۆ ک زانست جئ خوه‌ئ له ناو ژبان مردم‌واز کرد. په‌یوه‌ندی ژبان و زانست، دونیای مردم‌ته‌مام دنیا نألشت کرد. نه‌خوه‌شیه‌یل مه‌ترسی دار ورده‌ورده‌تسیمار بۆن، خهرمان جفتیاره‌یل رووژ وه رووژ گه‌وره‌ترو گه‌ش تروه‌بۆ، ده‌سه‌له‌تایل نوو و تکنولوژی هاتنه‌دی و زیانه‌وه‌مانا و رهنگئ نوو گرته‌و خوه‌ئ.

تا ئیژه گشتمان باورمان ئیه‌سه‌ک بئ گومان، زانست نه‌ته‌نیا جئ قورسئ له دنیا پتا کرد به‌لکه‌م مه‌ردم هاوچه‌رخ قه‌رزدار نه‌زانا و گه‌ورا که‌سایه‌تیه‌یلن ک مؤدر نیته ئه‌ر امان وه‌دی هاوردن و مانائ تازه وه ژبان به‌خشان.

بئ گومان و بئ هۆج پر سبپاری، زانست ده‌ره‌یائ ک بئ بنه‌! وه هه‌مۆشه‌سر و پرستار له سرؤوشت هه‌س ک بته‌نیم شوونی بگریم و ئه‌ر پتا کردن جواوئ؛ هه‌ول به‌یمن ک له‌روشته‌یل زانستئ ده‌سمئیته بگریم. وه‌لئ پرستار گه‌وره‌ئ ک ئیبه‌ره‌نگه‌له‌ناو زانستگائیل ده‌مه‌ده‌مه‌چرخ ئی وه‌سه، ک نایا زانستئ تئوری زانستگائیل ک له‌ناوه‌تاره‌یل و ژورنال‌یل زانستئ به‌لاو و چاپ بوون؛ گشتیان توه‌ن وه‌نرخ بوون؟

یا خاستر نه‌وه‌سه‌ک بۆشیم؛ ئیبه‌رنگه‌ک له‌دونیا‌ی په‌سا مؤدرن ژبان که‌یمن له‌یه‌وه‌دؤا چه‌ئ تر زانست و تاییه‌ت زانستگائیل توه‌ن ژبان مردم نألشت بکه‌ن وه‌چه‌ئ زانستگائیل توه‌ن ده‌سه‌لات له‌سهر ژبان و تکنولوژی داشتۆن؟

وه‌دنیابه‌و توه‌نم بۆشم نه‌گشتیان نیه‌تۆن ده‌سه‌لات موسسته‌قیم داشتۆن! وه‌داخه‌و مانج فره‌یگ له‌خوه‌نکاره‌یل و ماموسائیل زانستگا ته‌نیا به‌لاو کردن وه‌تاره‌یل زانستئ وه‌ههر مدوو و قیمة‌تئ ئه‌ر وه‌ناویانگ بۆن یاره‌سین وه‌نامانجیل کاری خوه‌یانه؛ نه‌ئه‌ویکه‌خه‌مه‌تئ ئه‌ر ازانست وه‌مدووئ تکنولوژی چه‌ن ساله‌ک ره‌سته‌ئ وه‌ناو "Data